



مردم ایران، مصداق «الذین قال لهم الناس: ان الناس قد جمعوا لكم فاحشوهم؛ فزادهم ايمانا و قالوا حسبتا الله و نعم الوكيل»

کسانی که مردم به آنان گفتند: «مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده‌اند؛ پس از آنان بترسید.»

کسانی که مردم به آنان گفتند: «مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده‌اند؛ پس از آنان بترسید.» در نتیجه بر ایمانشان افزود شد و گفتند: «خدا ما را بس است و بهترین حامی ما است» [سوره آل عمران، آیه ۱۷۳]

حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای صبح روز (جمعه) در اجتماع عظیم و پرشکوه قشرهای مختلف مردم در حرم مطهر امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، ضمن توصیف امام راحل به شخصیت «مؤمن متعبد انقلابی» و تأکید بر ادامه‌ی راه «امام انقلابی ملت»، پنج شاخص مهم «انقلابی‌گری» را تبیین کردند و در بخشی از سخنان خود افزودند: مردم ایران عزیز بودند که ایستادگی کردند و مصداق این آیه‌ی شریفه شدند:

الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاحشوهم فزادهم ايمانا و قالوا حسبتا الله و نعم الوكيل (۷) مدام تهدید شدیم، مدام گفتند حمله می‌کنیم، مدام گفتند تحریم می‌کنیم، مردم نه از تهدید نظامی ترسیدند، نه از تحریم ترسیدند، نه از تحریم فلج شدند؛ نترس، شجاع، سربلند، حرکت را ادامه دادند؛ از این پس هم باید همین باشد. تا بتوانیم این راه را با موفقیت پیش برویم و ادامه بدهیم.

* متن کامل بیانات معظم‌له در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) به این شرح است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين سيما بقیة‌الله فى الارضين.

اجتماع بسیار عظیم و پرشکوهی است که برای احترام به یاد عزیز امام بزرگوارمان در اینجا تشکیل شده است؛ در بسیاری از مناطق دیگر کشور هم شبیه این اجتماع به‌خاطر یاد امام و به‌خاطر عشق به امام بزرگوار تشکیل شده.

* یادآوری برکات ماه شعبان

روزهای پایانی ماه پربرکت شعبان است. به گمان زیاد امام بزرگوار از این ماه، بهره‌ی فراوان معنوی می‌بردند. قرائن نشان می‌دهد که آن دل نورانی به برکت این ماه بر نورانیت خود می‌افزود. این فقره‌ی معروف دعای مناجات شعبانیه: إلهی هب لی کمال الإنقطاع إلیک و اثر ابصار قلوبنا بضيآء نظرها إلیک، (۱) از جملاتی بود که در بیانات امام تکرار می‌شد؛ مکرر در سخنرانی به مناسبت‌های گوناگون، این فقره‌ی از دعا را می‌خواندند. این نشان‌دهنده‌ی این است که این بزرگوار به این مناجات و به این مضامین و به این ایام بابرکت انس داشتند. بنده هم که یک وقتی از ایشان سؤال کردم راجع به دعاها، یکی از دعاهائی که ایشان تکیه کردند بر روی آن و ترجیح می‌دادند آن دعا را، همین مناجات شعبانیه بود. فقرات مهمی در این دعا هست که از جمله این فقره است: إلهی هب لی قلباً یدنیه منک شوقه، و لساناً یرفع إلیک صدقه، و نظراً یقرّبهُ منک حقه؛ (۲) دل پرشوقی که به بارگاه قرب الهی نزدیک می‌شود؛ زبان صادقی که صدق آن موجب تقرّب به پروردگار می‌گردد؛ نگاه حق‌نگری که موجب می‌شود انسان به خدای متعال نزدیک‌تر شود. این خصوصیات در این دعای شریف و در این مناجات، از خدای متعال خواسته شده است؛ این‌ها برای ما درس است. و امام بزرگوار کسی بود که با این درسا، در همه‌ی عمر مأنوس بود و به برکت همین انس و به برکت همین آشنائی با مراتب حق و حقیقت و تقرّب به پروردگار، خدای متعال این قدرت را به او بخشید که بتواند این حرکت عظیم و ماندگار را انجام بدهد.

* امام ما، مؤمن متعبد انقلابی بود

درباره‌ی امام بزرگوار می‌خواهیم حرف بزنیم. یکی از عناوین و اوصافی که درباره‌ی امام راحل عظیم‌الشأن ما، کمتر به‌کار رفته است و کمتر از این عنوان استفاده کرده‌ایم، عبارت است از یک عنوان جامع که من این‌جور تعبیر می‌کنم: مؤمن متعبد انقلابی. ما امام را با صفات متعددی همواره توصیف می‌کنیم اما این صفت -که ما کمتر امام را با آن توصیف کرده‌ایم- یک صفت جامع است؛ مؤمن است، متعبد است، انقلابی است.

مؤمن: یعنی مؤمن به خدا است، مؤمن به هدف است، مؤمن به راهی است که او را به این هدف می‌رساند، و مؤمن به مردم

است. يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ (۳) درباره‌ی رسول اکرم هم این تعبیر در قرآن آمده است: مؤمن به خدا، و مؤمن به هدف، و مؤمن به راه، و مؤمن به مردم. عبد است، متعبد است؛ یعنی خود را عبد میداند در مقابل پروردگار؛ این هم صفت بسیار مهمی است. شما ملاحظه کنید، خدای متعال در قرآن، پیغمبر اکرم را با صفات متعددی ستوده است: وَ اِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ، (۴) فیما رَحْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ لَئِن لَّمْ يَكُنْ لَّهٗم (۵) و صفات متعدّد دیگر که هر کدام از این‌ها یک فصل فراوانی از خصوصیات پیغمبر را بیان می‌کند؛ ولی آن صفتی که به ما مسلمان‌ها دستور داده شده است که هر روز درباره‌ی پیغمبر در نمازهایمان تکرار کنیم این است که «اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ»؛ این نشان‌دهنده‌ی اهمّیت عبودیت است؛ عبد بودن آن‌چنان برجسته است که خدای متعال این صفت را به مسلمانان تعلیم می‌دهد که در نماز خود، هر روز چند مرتبه تکرار کنند؛ امام دارای این صفت بود، عبودیت؛ اهل خشوع بود، اهل تضرّع بود، اهل دعا بود؛ مؤمن متعبد.

* امام، امام انقلابی بود

اما صفت سوّم، یعنی مؤمن متعبد انقلابی؛ این، آن نقطه‌های است که مایلم بر روی آن تکیه کنم و درباره‌ی آن سخن بگویم. امام، امام انقلاب بود.

* قدرت‌های مادی از کلمه‌ی انقلاب وحشت می‌کنند

انقلاب یک کلمه است و در دل آن حقایق بی‌شماری وجود دارد؛ امام انقلاب یعنی پیشوای همه‌ی این خصوصیات که کلمه‌ی انقلاب متضمّن آن است. قدرت‌های مادی هم که نسبت به امام همواره غضبناک بودند، عصبانی بودند و البته میهراسیدند از امام بزرگوار، بیشتر به‌خاطر این صفت بود: صفت انقلابیگری امام؛ با این خصوصیت او دشمن بودند. امروز هم دشمنان ملت ایران با خصوصیت انقلابیگری او خصومت دارند و دشمنند. اساساً قدرت‌های مادی از کلمه‌ی انقلاب وحشت می‌کنند؛ از کلمه‌ی «انقلاب اسلامی» وحشت می‌کنند، میهراسند، می‌رمند. فشارهایی هم که وارد می‌کنند، به‌خاطر انقلابیگری است؛ شرح خواهم داد که انقلابیگری متضمّن چه مفاهیم و معانی و خط‌مشی‌هایی است؛ حق دارند که بترسند. فشارها البته با بهانه‌های مختلف وارد می‌شود؛ گاهی با بهانه‌ی هسته‌ای، گاهی با بهانه‌ی حقوق بشر و بهانه‌هایی از این قبیل، اما حقیقت قضیه عبارت است از همین که دشمنان ملت ایران و دشمنان ایران اسلامی از خصوصیت انقلابیگری واهمه دارند و نگرانند. در همین اواخر، در چند ماه قبل از این، یک سیاستمدار آمریکائی گفت: ایران به‌خاطر انقلاب اسلامی تحریم است؛ اصل تحریم مربوط به انقلاب ۱۹۷۹ - یعنی انقلاب سال ۵۷- است! این یک حقیقت است.

* علت دشمنی آمریکا با ایران

علت چیست؟ چرا با انقلاب مخالفند؟ علت این است که این کشور بزرگ و پهناور، این کشور پربرکت، این کشور ثروتمند - که هم ثروت طبیعی دارد، هم ثروت انسانی دارد - یکپارچه در قبضه‌ی قدرت آن‌ها بود، در اختیار آمریکا بود؛ انقلاب آمد آن‌ها را از این کشور بیرون کرد؛ دشمنی با انقلاب به‌خاطر این است؛ انقلاب آن‌ها را راند. علاوه بر این، الهام‌بخش دیگران هم شد. انقلاب اسلامی ایران که به‌وسیله‌ی مردم این کشور به وجود آمد و ادامه پیدا کرد، الهام‌بخش ملت‌های دیگر شد؛ که این در جای خود بحث مفصلی است و دلایل بی‌شماری هم بر آن وجود دارد.

امام انقلابی ما کشور را از منجلاها بیرون کشید؛ به‌وسیله‌ی انقلاب، کشور را از منجلاهای متعددی خارج کرد. جوان‌های عزیز ما که دوران قبل از انقلاب را درک نکرده‌اند، لمس نکرده‌اند، باید درست دقت کنند و توجه کنند که مسئله این است، مسئله‌ی اساسی این است. اگر یک ملتی مسئله‌ی اساسی خود را نداند، گمراه می‌شود. مسئله این است که انقلاب اسلامی آمد این کشور را از منجلاها نجات داد؛ از منجلاها وابستگی، از منجلاها عقب‌ماندگی، از منجلاها فساد سیاسی، از منجلاها فساد اخلاقی، از منجلاها حقارت بین‌المللی. ما گرفتار این چیزها بودیم؛ ما، هم وابسته بودیم، هم تحقیر شده بودیم، هم عقب‌افتاده و عقب‌نگه داشته شده بودیم؛ در علم، در اقتصاد، در فتاوری، در حضور بین‌المللی، در همه‌چیز ما را عقب‌نگه داشته بودند. عوض همه‌ی اینها، ما آقابالاسر آمریکائی و انگلیسی داشتیم. آن روزها ما چهار برابر امروز نفت صادر می‌کردیم؛ جمعیت کشور هم از نصف امروز کمتر بود، در عین حال اکثر نقاط این کشور از خدمات عمومی دولتی که برعهده‌ی دولت‌ها است محروم بودند؛ کشور در فقر و عقب‌افتادگی دست‌وپا می‌زد؛ در فساد اخلاقی دست‌وپا می‌زد. در همه‌ی زیرساخت‌های کشور - راه، آب، برق، گاز، مدرسه، دانشگاه، خدمات شهری - کشور دچار آفت بود، دچار عقب‌افتادگی و عقب‌ماندگی بود، دچار تهیدستی بود؛ ثروت‌های طبیعی کشور را در اختیار بیگانگان می‌گذاشتند و دستگاه حاکمه بهره‌مند می‌شدند و مردم را یا با فریب، یا با زور و ارباب، ساکت نگه می‌داشتند؛ اما خب دل‌های مردم پُر بود، واقعیات را می‌دیدند؛ و نتیجه، دنباله‌روی از آن فریاد ربّانی و الهی امام بزرگوار شد که انقلاب را به راه انداخت.

* هدف‌های امام(ره) خلاصه می‌شود در حاکمیت دین خدا

امام بزرگوار ما مسیر را عوض کرد و یک تغییر بزرگ انجام گرفت؛ [امام] مسیر ملت ایران را تغییر داد، ریل را عوض کرد؛ ما را به سمت هدف‌های بزرگ حرکت داد. این هدف‌ها که انقلاب و امام انقلاب، ما را به سمت این هدف‌ها حرکت دادند و جامعه‌ی ایرانی را به این سمت رهنمون شدند، فوق‌العاده حائز اهمّیت است.

این هدف‌ها خلاصه می‌شود در حاکمیت دین خدا. حاکمیت دین خدا به معنی عدالت اجتماعی به معنای واقعی است، به معنای ریشه‌کنی فقر است، به معنای ریشه‌کنی جهل است، به معنای ریشه‌کنی استضعاف است؛ حاکمیت دین خدا به معنای برقراری منظومه‌ی ارزش‌های اسلامی است، [به معنای] ریشه‌کنی آسیب‌های اجتماعی است، [به معنای] تأمین سلامت جسمی و سلامت

اخلاقی و معنوی و پیشرفت علمی کشور است، [به معنای] تأمین عزت ملی و هویت ملی ایرانی و تأمین اقتدار بین‌المللی است، [به معنای] فعال کردن ظرفیتهائی است که خداوند در این سرزمین قرار داده است؛ این‌ها همه در حاکمیت دین خدا مندرج است و امام، ما را به این سمت حرکت داد؛ درست نقطه‌ی مقابل آن راهی که در رژیم طاغوت ما را به آن سمت می‌کشاندند و میبردند.

* اگر در ریل انقلاب حرکت کنیم، دسترسی به همه‌ی امام ممکن است

خب، این هدف‌ها که قطار جامعه‌ی اسلامی به برکت انقلاب به سوی آن هدف‌ها حرکت کرد، هدف‌های دور از دسترسی هستند، زمان‌بند، احتیاج به گذشت زمان دارند، احتیاج به تلاش دارند، لکن دسترسی به همه‌ی این‌ها ممکن است به یک شرط؛ آن شرط این است که قطار در همین ریل پیش برود؛ در ریل انقلاب. امام راه را به ما نشان داد، معیارها و شاخص‌ها را به ما نشان داد، هدف‌ها را برای ما مشخص کرد و خود او حرکت را آغاز کرد.

ما تا امروز به برکت حرکت در جهت انقلاب، دستاوردهای زیادی پیدا کرده‌ایم اما هنوز تا آن هدف‌ها فاصله بسیار زیاد است. می‌توانیم به آن هدف‌ها برسیم، مشروط بر اینکه این قطار بر روی همین ریل حرکت کند؛ بر روی ریلی که امام، قطار جامعه‌ی اسلامی را به حرکت درآورد.

بعد از رحلت امام، ما هرچا انقلابی عمل کردیم پیش رفتیم و هرچا از انقلابیگری و حرکت جهادی غفلت کردیم، عقب ماندیم و ناکام شدیم؛ این یک واقعیتی است.

بنده در این سال‌ها خودم مسئول بودم؛ اگر تقصیری در این مطلب باشد، متوجه این حقیر هم هست؛ هرچا انقلابی بودیم، جهادی حرکت کردیم، بر روی آن ریل حرکت کردیم، پیش رفتیم؛ هرچا کوتاهی کردیم و غفلت کردیم، عقب ماندیم. می‌توانیم برسیم به شرط اینکه انقلابی حرکت کنیم و انقلابی پیش برویم.

مخاطب این سخن، نسل امروز و نسل فردا و نسل فرادهای بعد است؛ مخاطب این سخن، همه‌ی ما هستیم؛ مسئولان مخاطبند؛ فعالان سیاسی، فعالان فرهنگی، فعالان اجتماعی، همه مخاطب این سخنند؛ جوانان، دانشگاهیان، حوزویان، پیشه‌وران، روستائیان، شهریان، همه مخاطب این سخنند؛ همه باید بدانند می‌توان این راه را با شیوه‌ی انقلابی حرکت کرد و آن وقت، پیشرفت قطعی است؛ و می‌توان به شیوه‌ی دیگری حرکت کرد و آن وقت سرنوشت سرنوشت رقت‌آوری خواهد بود. امام تعبیر رایجی داشتند، مکرر در مواردی می‌گفتند: «اسلام سیلی خواهد خورد». اگر راه را عوض کردیم، ملت ایران سیلی خواهد خورد، اسلام هم سیلی خواهد خورد. سخن باقی است؛ حرف در این زمینه فراوان و حرف‌های لازم زیاد است.

*انقلاب، سرمایه‌ی ممتاز و منحصربه‌فرد ملت ما و کشور ما است

توجه بفرمایید(۶) که من از این فرصت استفاده می‌کنم و به شما و به ملت ایران عرض می‌کنم که عزیزان من! انقلاب، سرمایه‌ی ممتاز و منحصربه‌فرد ملت ما و کشور ما است. برای به‌دست آوردن انقلاب هزینه داده‌ایم؛ هزینه‌های سنگینی هم پرداخت شده است اما صدها برابر آن هزینه‌ها، منافع وجود دارد؛ این یک تجارت پرسود است برای ملت. بله، هشت سال جنگ هزینه بود، شورش‌ها هزینه بود، تحریم‌ها هزینه بود - این‌ها همه هزینه‌ی انقلاب است - اما صدها برابر این هزینه‌ها، سود در این راه وجود دارد؛ هزینه‌ها و منافع و سودها از اول با هم همراه بودند؛ هم هزینه دادیم، هم سود بردیم.

در جنگ، جوانان ما رفتند و به شهادت رسیدند اما ملت و مجموعه‌ی جوان کشور دستاوردهای بزرگی را از همان جنگ پرهزینه به‌دست آوردند. از اول، این هزینه‌ها و منافع با هم همراه بوده‌اند، منتها هرچه جلو آمدیم، هزینه‌ها سبک‌تر و قابل‌تحمل‌تر، اما منافع کلان‌تر و بیشتر شده است. امروز روزی است که ما می‌توانیم، ملت ایران می‌تواند بدون اینکه هزینه‌ی زیادی را متحمل بشود، منافع بزرگی را از انقلاب به‌دست بیاورد؛ امروز این توانائی وجود دارد.

انقلاب ریشه دوانده است، درخت نظام اسلامی مستحکم شده است، حقایق بسیاری روشن شده، راهکارهایی به وجود آمده؛ امروز اوضاع برای ملت ایران روشن‌تر و زمینه آماده‌تر و راه هموارتر است از گذشته؛ هزینه هست، باز هم هست اما هزینه‌ها سبک‌تر و قابل دفع‌تر و قابل اجتناب‌تر از گذشته است.

* این انقلاب با نیروی ایمان مردم به وجود آمد

* مردم ایران مصداق

«الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا..» شدند

این نکته‌ی مهمی است: این انقلاب با کودتا به وجود نیامد، با حرکت نظامی به وجود نیامد؛ مثل بعضی از انقلاب‌ها که یک عده افسر نظامی رفتند یک حکومتی را برداشتند، حکومت دیگری به جایش گذاشتند؛ نه، این انقلاب به‌وسیله‌ی مردم به وجود آمد؛ با عزم مردم، با نیروی انقلاب مردم، با ایمان مردم به وجود آمد؛ با همین نیرو از خود دفاع کرد، با همین نیرو هم باقی ماند و ریشه دواند. این مردم بودند که نترسیدند؛ این مردم ایران عزیز بودند که ایستادگی کردند و مصداق این آیه‌ی شریفه شدند: الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا و قالوا حسبنا الله و نعم الوكيل. (۷) مدام تهدید شدیم، مدام گفتند حمله می‌کنیم، مدام گفتند تحریم می‌کنیم، مردم نه از تهدید نظامی ترسیدند، نه از تحریم ترسیدند، نه از تحریم فلج شدند؛ نترس، شجاع، سربلند، حرکت را ادامه دادند؛ از این پس هم باید همین باشد. مردم ما، قشرهای مختلف ما، جوان‌های ما، روحانیون ما، پیشه‌وران ما، دانشگاهیان ما، محققین ما، مسئولان ما، دولتی‌های ما، مجلسی‌های ما باید انقلابی بمانند و انقلابی حرکت بکنند - که شاخص‌هایی را عرض خواهیم کرد - و همه انقلابی باشند تا بتوانیم این راه را با موفقیت پیش برویم و ادامه بدهیم.

* می‌تواند یک جوان امروز، از من سابقه‌دار در انقلاب، انقلابی‌تر باشد

این خطا است که گمان کنیم انقلابی فقط آن کسی است که در دوران امام بوده است، یا در دوران مبارزات در کنار امام بوده است؛ نه، بعضی کاتّه این جور خیال می‌کنند که انقلابیون آن کسانی هستند که در دوران امام یا در دوران مبارزات یا در دوران حکومت امام بزرگوار حضور داشتند، در کنار امام بودند؛ نه، اگر معنای انقلابی را این بگیریم، انقلابی همین ما پیروپاتال‌ها خواهیم بود. انقلاب مال همه است؛ جوان‌ها انقلابی‌اند و می‌توانند انقلابی باشند، با آن معیارها و شاخص‌هایی که عرض خواهم کرد. می‌تواند یک جوان امروز از من سابقه‌دار در انقلاب، انقلابی‌تر باشد؛ همچنان‌که در دوران دفاع مقدّس دیدیم کسانی بودند که جان خودشان را کف دست گرفتند در راه این انقلاب و در راه انفاذ (۸) فرمان امام به جبهه رفتند، جانشان را فدا کردند؛ انقلابی صددرصد، انقلابی کامل، آن‌ها هستند؛ آن‌هایی که آماده‌ی فداکاری‌اند؛ پس ما نباید انقلابی را منحصر کنیم به یک عده‌ای که در دوران مبارزات با امام بودند یا امام را می‌شناختند یا در کنار او بودند؛ نه، انقلاب یک شطّ جاری است و همه‌ی کسانی که در طول تاریخ با این ممیّزات حضور دارند و تلاش می‌کنند انقلابی‌اند، ولو امام را ندیدند؛ مثل اغلب شما جوان‌ها.

* انقلابیگری به معنای افراطی بودن نیست

این هم خطا است که ما خیال کنیم اگر گفتیم فلانی انقلابی است، یعنی فلانی افراطی است؛ یا وقتی می‌خواهیم اشاره کنیم به انقلابی‌ها و انقلابیون، تعبیر افراطی را به کار ببریم؛ نه، این خطا است. انقلابیگری به معنای افراطی بودن نیست. این دوگانه‌هایی که سوغات بیگانه‌ها و حرف دشمنان ایران است، نباید در ایران و در فرهنگ سیاسی ما جا باز کند؛ آن‌ها تقسیم می‌کنند مردم را به تندرو و میانه‌رو. بحث تندرو و کندرو نداریم. انقلابی را می‌گویند تندرو، غیر انقلابی را می‌گویند میانه‌رو! این یک دوگانه‌ی بیگانه است، آن‌ها این‌ها را در رادیوهایشان، در تبلیغاتشان، در اظهاراتشان تکرار می‌کنند، ما این را نباید تکرار بکنیم. انقلابی، انقلابی است.

* انقلابیگری مقول

به تشکیک است

این هم خطا است که ما از همه‌ی کسانی که انقلابی هستند، یک نوع عمل انقلابی توقع داشته باشیم؛ یا یک درجه‌ی از انقلابیگری توقع داشته باشیم؛ نه. به قول ما طلبه‌ها انقلابیگری مقول به تشکیک است. ممکن است یک نفر نسبت به مفاهیم انقلاب و عمل انقلابی بهتر حرکت کند، یک نفر به آن خوبی حرکت نکند اما در همان راه دارد حرکت می‌کند. اینکه ما هرکسی خوب حرکت نکرد یا به‌طور کامل حرکت نکرد را متهم بکنیم به غیر انقلابی یا ضدّ انقلابی این هم خطا است؛ نه، ممکن است یک نفری صد درجه می‌زان حرکت او ارزش دارد، یک نفری کمتر ارزش دارد، یک نفری از او کمتر ارزش دارد اما همه در این راه حرکت می‌کنند. مهم این است که آن شاخص‌ها تطبیق بکند. مهم شاخص‌ها است. مهم این است که آن کسی هم که با آن شدّت و با آن جدّیت حرکت نمی‌کند، شاخص‌های انقلابیگری را داشته باشد. اگر این شاخص‌ها وجود داشت، آن وقت طرف انقلابی است، فرد انقلابی، مجموعه‌ی انقلابی، دولت انقلابی، سازمان انقلابی؛ عمده این است که شاخص‌ها را بشناسیم.

* تشریح پنج شاخص انقلابی بودن

برای انقلابی بودن شاخص‌هایی وجود دارد.

من پنج شاخص را در اینجا ذکر می‌کنم. البته بیش از این‌ها می‌شود خصوصیات را گفت لکن من فعلاً پنج شاخص برای انقلابیگری ذکر می‌کنم که ما باید سعی کنیم در خودمان این پنج شاخص را ایجاد کنیم و حفظ کنیم، هر جا هستیم؛ یکی در کار هنر است، یکی در کار صنعت است، یکی در کار فعالیت سیاسی است، یکی در کار فعالیت علمی است، یکی در کار فعالیت اقتصادی و بازرگانی است؛ فرقی نمی‌کند؛ این شاخص‌ها در همه‌ی افراد ما ملت ایران می‌تواند وجود داشته باشد.

پنج شاخص که این‌ها را شرح خواهم داد [عبارتند از]:

شاخص اول، پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب؛

شاخص دوّم، هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همّت بلند برای رسیدن به آن‌ها که آرمان‌های انقلاب و اهداف بلند انقلاب را در نظر بگیریم و همّت برای رسیدن به آن‌ها داشته باشیم؛

شاخص سوّم، پایبندی به استقلال همه‌جانبه‌ی کشور، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی - که مهم‌تر از همه است - و استقلال امنیتی؛

شاخص چهارم، حساسیت در برابر دشمن و کار دشمن و نقشه‌ی دشمن و عدم تبعیت از او، که البته باید دشمن را شناخت، نقشه‌ی او را فهمید و از تبعیت دشمن سر باز زد - عرض کردیم که قرآن این عدم تبعیت را «جهاد کبیر» نام نهاده است؛ من این چند وقت دو سه بار در این باره صحبت کردم (۹)

شاخص پنجم، تقوای دینی و سیاسی که این بسیار مهم است.

این پنج شاخص اگر در کسی وجود داشته باشد، قطعاً انقلابی است؛ حالا درجات انقلابی بودن، همان‌طور که عرض کردیم، مختلف است. من برای هر کدام از این‌ها یک توضیح کوتاه و مختصری می‌دهم.

* شاخص اول، پایبندی به ارزش‌های مبنائی و اساسی اسلام

عرض کردیم که شاخص اول، پایبندی به ارزش‌های مبنائی و اساسی اسلام است. بنده در سال گذشته در همین جلسه راجع به مبنائی امام صحبت کردم؛ مبنائی اساسی ما این‌ها است. مبنائی اول، پایبندی به اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکائی است. اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکائی است.

* اسلام متحرّج و اسلام سکولار، دو شاخه اسلام آمریکائی

اسلام آمریکائی هم دو شاخه دارد: یک شاخه اسلام متحجر، یک شاخه اسلام سکولار؛ این اسلام آمریکائی است. استکبار و قدرت‌های مادی از هر دو شاخه پشتیبانی کرده‌اند و می‌کنند؛ یک جاهائی آن‌ها را به وجود می‌آورند، یک جاهائی آن‌ها را راهنمایی می‌کنند، یک جاهائی آن‌ها را کمک می‌کنند.

* اسلام ناب همه‌جانبه است

اسلام ناب در مقابل آن‌ها است؛ اسلام ناب اسلامی است که همه‌جانبه است؛ از زندگی فردی و خلوت فردی تا تشکیل نظام اسلامی، همه را شامل می‌شود. اسلام ناب آن اسلامی است که هم تکلیف من و شما را در خانواده با خود و در خلوت شخصی‌مان معین می‌کند، هم تکلیف ما را در جامعه معین می‌کند، هم تکلیف ما را در قبال نظام اسلامی و ایجاد نظام اسلامی معین می‌کند؛ این اسلام ناب است. این یکی از مبانی است که باید به این پابند بود.

* محور بودن مردم از مبانی اسلام ناب است

یکی دیگر از مبانی، محور بودن مردم است که وقتی ما مردمی بودن را و محور بودن مردم را با اسلام همراه می‌کنیم، ترکیب آن می‌شود جمهوری اسلامی؛ جمهوری اسلامی یعنی این؛ مردم محورند، مقاصد برای مردم است، هدف‌ها متعلق به مردم است، منافع مال و ملک مردم است، اختیار در دست مردم است؛ این‌ها مردمی بودن است: رأی مردم، خواست مردم، حرکت مردم، عمل مردم، حضور مردم و شرافت مردم در نظام جمهوری اسلامی. این یکی از آن مبانی است و به معنای واقعی کلمه باید به این معتقد بود.

* اعتقاد به پیشرفت، تحوّل، تکامل، و تعامل از مبانی اسلام ناب است

یکی از آن مبانی اساسی و ارزش‌های اساسی عبارت است از اعتقاد به پیشرفت، اعتقاد به تحوّل، به تکامل، و تعامل با محیط، البته با پرهیز از انحراف‌ها و خطاهائی که در این راه ممکن است وجود داشته باشد.

تحوّل و تکامل؛ هم فقه ما، هم جامعه‌شناسی ما، هم علوم انسانی ما، هم سیاست ما، هم روش‌های گوناگون ما باید روزبه‌روز بهتر بشود، منتها به دست آدم‌های خیره، به دست آدم‌های وارد، به دست انسان‌های اهل تعمق و کسانی که اهلیت ایجاد راه‌های نو را دارند؛ نیمه‌سوادها و آدم‌های ناوارد و مدعی نمی‌توانند کاری انجام بدهند. به این باید توجه داشت؛ این‌ها همه یک صراطی است که چپ و راست دارد؛ از وسط جاژه باید حرکت کرد.

* حمایت از محرومان؛

یکی از مبانی اساسی اسلام ناب است

حمایت از محرومان؛ یکی از مبانی اساسی و ارزش‌های اساسی نظام اسلامی عبارت است از حمایت از محرومان. یکی دیگر حمایت از مظلومان است در هر نقطه‌ی عالم. این‌ها ارزش‌های اساسی انقلاب است؛ از این‌ها نمی‌شود صرف‌نظر کرد. اگر کسی، کسانی یا جریانی نسبت به محرومین بی‌تفاوت باشد، یا نسبت به مظلومان عالم بی‌تفاوت باشد، این شاخص در او وجود ندارد.

خب، اگر این پایبندی به ارزش‌های اساسی وجود داشت - که این شاخص اول بود- حرکت، حرکت مستمر و مستقیم خواهد بود و در تندباد حوادث، این حرکت تغییر پیدا نمی‌کند. [اما] اگر این پایبندی وجود نداشت، نقطه‌ی مقابل این پایبندی، عمل‌گرایی افراطی است؛ یعنی هر روزی به یک طرف رفتن و هر حادثه‌ای انسان را به یک طرف کشاندن:

میکشد از هر طرف، چون پَر کاهی مرا

وسوسه‌ی این‌وآن، دمدمه‌ی خویشتن

* قرآن از «پایبندی» به مبانی،

به «استقامت» تعبیر می‌کند

این می‌شود عمل‌گرایی؛ هر روزی انعطاف به یک جهت و به یک سمت؛ این منافات دارد با آن پایبندی. در تعبیر قرآنی، این پایبندی به ارزش‌ها را «استقامت» نام نهاده‌اند: فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَ مِّن تَابٍ مَّعَكَ (۱۰)

آیه‌ی قرآن در سوره‌ی مبارکه‌ی هود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ (۱۱)

در تعبیر قرآنی، اسم این پایبندی به مبانی و ارزش‌ها استقامت است.

* شاخص دوّم، همّت بلند و صرف‌نظر نکردن از آرمان‌ها

شاخص دوّم، همّت بلند برای رسیدن به آرمان‌ها، صرف‌نظر نکردن از آرمان‌ها و منصرف نشدن از هدف‌های بزرگ [است]. نقطه‌ی مقابل آن، تنبلی و محافظه‌کاری و ناامیدی است.

بعضی سعی می‌کنند جامعه را و جوان‌های ما را دچار ناامیدی کنند، بگویند «آقا فایده‌های ندارد، نمی‌شود، نمی‌رسیم؛ چه‌جوری ممکن است با این‌همه مخالفت، با این‌همه دشمنی»؛ این نقطه‌ی مقابل آن شاخص دوّم است.

شاخص دوّم این است که هرگز منصرف نشویم از رسیدن به آن اهداف بلند و آرمان‌های بلند؛ تسلیم نشویم در مقابل فشارها.

البته شما وقتی که در یک راهی می‌روید که دشمنی بر سر آن راه هست، برای شما مانع ایجاد می‌کند؛ [اما] این مانع بایستی مانع نشود از رفتن شما، از ادامه‌ی حرکت شما؛ تسلیم فشارها نشویم، رضایت به وضع موجود ندهیم، که اگر رضایت به وضع موجود دادیم نتیجه‌اش عقب‌گرد است. بنده بارها تکرار کرده‌ام؛ جوان‌ها باید به سمت پیشرفت حرکت کنند؛ به سمت تحوّل مثبت حرکت کنند؛ اینکه ما به همان چیزی که داریم قانع بشویم - فرض کنید ما در زمینه‌ی علمی به یک پیشرفت‌هائی رسیده‌ایم که البته مورد قبول همه‌ی دنیا است؛ قبول دارند که ما پیشرفت کرده‌ایم - اگر به همین اندازه قانع شدیم، عقب

خواهیم ماند؛ عقب خواهیم رفت؛ نه، راه پیشرفت تمام‌شدنی نیست؛ باید رفت تا رسید به آرمان‌های بلند.

* شاخص سوّم؛ پایبندی

به استقلال همه‌جانبه

شاخص سوّم عرض کردیم پایبندی به استقلال است. این استقلال خیلی مهم است؛ استقلال داخلی، استقلال منطقه‌ای، استقلال جهانی و بین‌المللی؛ در همه‌ی این مسائل استقلال کشور و استقلال نظام را حفظ کردن.

* در زمینه‌ی سیاسی فریب دشمن را نخوریم

معنایش این است که ما در زمینه‌ی سیاسی فریب نخوریم؛ دشمنی که هدفش این است که دولت‌ها و ملت‌ها را به دنبال خود بکشاند، به شیوه‌های مختلفی توسّل می‌جوید. این‌جور نیست که همیشه با تهدید حرف بزنند؛ نه، گاهی هم با تملق حرف می‌زنند؛ گاهی به انسان نامه می‌نویسند که شما بیائید - با ما که آمریکا هستیم - مسائل جهانی را با مشارکت یکدیگر حل کنیم؛ در این قالب با انسان حرف می‌زنند؛ انسان در اینجا ممکن است دچار وسوسه بشود که برویم با یک ابرقدرتی در حلّ مسائل بین‌المللی همکاری کنیم؛ در ادبیات نامه‌نگاری رسمی دیپلماتیک، این‌جوری حرف‌زده می‌شود اما باطن قضیه این نیست؛ باطن قضیه این است که او یک نقشه‌ای دارد؛ می‌گوید شما بیا در نقشه‌ی من، بیا در آن میدانی که من ترسیم کرده‌ام بازی کن؛ نوع بازی را هم او معین می‌کند. شما بیا این کار را انجام بده تا آن هدفی که برای آن نقشه کشیده شده است، تحقق پیدا بکند. اینکه ما در قضایای منطقه، در قضیه‌ی سوریه، در قضایای شبیه سوریه حاضر نشدیم در ائتلاف به اصطلاح آمریکائی وارد بشویم - با اینکه بارها گفتند، تکرار کردند، خواستند - علت این است. آن‌ها یک نقش‌های دارند، یک هدف‌هایی را ترسیم کرده‌اند، مایلند به آن هدف‌ها برسند و البته مایلند که از قدرت و نیرو و نفوذ هر کشوری استفاده کنند، از جمله جمهوری اسلامی؛ اگر جمهوری اسلامی اینجا خام بشود، وارد بازی آن‌ها بشود، معنایش این است که جدول کاری آن‌ها را پُر کرده است؛ معنایش این است که نقشه‌ی آن‌ها را کامل کرده است. این خلاف استقلال است؛ این بظاهر چیزی نیست که دولتی یا کسی بیاید بر کشور حکومت بکند که بگوئیم استقلال کشور از بین رفت اما ضدّ استقلال سیاسی است.

* استقلال فرهنگی در این است که سبک زندگی را، سبک زندگی اسلامی - ایرانی انتخاب بکنیم

استقلال اقتصادی مهم است، [اما] اوّل در زمینه‌ی فرهنگی عرض بکنم؛ استقلال فرهنگی به اعتقاد بنده از همه‌ی این‌ها مهم‌تر است. استقلال فرهنگی در این است که سبک زندگی را، سبک زندگی اسلامی - ایرانی انتخاب بکنیم. بنده در باب سبک زندگی دو سه سال قبل از این مفصل صحبت کردم؛ (۱۲) سبک زندگی از معماری، از زندگی شهری، از زیست انسانی، از پیوندهای اجتماعی تا همه‌ی مسائل گوناگون را شامل می‌شود. تقلید از غرب و از بیگانه در سبک زندگی، درست نقطه‌ی مقابل استقلال فرهنگی است. امروز نظام سلطه بر روی این مسئله دارد کار می‌کند؛ همین مسئله‌ی مهندسی اطلاعات، این ابزارهای جدیدی که وارد میدان شده است، این‌ها همه ابزارهایی هستند برای تسلط بر فرهنگ یک کشور. بنده با این حرف نمی‌خواهم بگویم این ابزارها را از زندگی خودمان خارج کنیم؛ نه، این‌ها ابزارهایی هستند که می‌توانند مفید واقع بشوند اما سلطه‌ی دشمن را از این ابزارها بایستی سلب کرد. نمی‌توانید شما برای اینکه مثلاً فرض بفرمایید رادیو و تلویزیون داشته باشید، رادیو تلویزیونتان را بدهید در اختیار دشمن؛ اینترنت هم همین‌جور است، فضای مجازی هم همین‌جور است، دستگاه‌های اطلاعاتی و ابزارهای اطلاعاتی هم همین‌جور است، این‌ها را نمی‌شود در اختیار دشمن قرار داد؛ امروز در اختیار دشمن است؛ وسیله و ابزار نفوذ فرهنگی است؛ ابزار سلطه‌ی فرهنگی دشمن است.

* استقلال اقتصادی هضم نشدن در هاضمه‌ی اقتصاد جامعه‌ی جهانی است

و استقلال اقتصادی - به‌طور خلاصه - هضم نشدن در هاضمه‌ی اقتصاد جامعه‌ی جهانی است. ببینید، آن‌ها خودشان - آمریکایی‌ها - در همین قضایای بعد از مذاکرات هسته‌ای گفتند معامله‌ی هسته‌ای باید موجب بشود که اقتصاد ایران در اقتصاد جامعه‌ی جهانی ادغام بشود؛ ادغام! ادغام یعنی چه؟ اقتصاد جامعه‌ی جهانی چیست؟ آیا اقتصاد جامعه‌ی جهانی یک نظم عادلانه و منطقی و عقلانی است؟ ابدا. اقتصادی که نقشه‌ی آن را جامعه‌ی جهانی کشیده است و مظاهر گوناگون آن در همه‌ی دنیا گسترده است، عبارت است از نقش‌های و نظامی که سرمایه‌داران عمدتاً صهیونیستی و بعضاً غیر صهیونیستی برای تصرف منابع مالی همه‌ی دنیا طراحی کرده‌اند. این نظم جامعه‌ی جهانی و اقتصاد جهانی است. اینکه یک کشوری اقتصادش را ادغام کند در اقتصاد جهانی، افتخار نیست؛ این خسارت است، این ضرر است، این شکست است. در تحریم هم مقصود آن‌ها یک هدف اقتصادی بود؛ تحریم هم که کردند ما را، خود آمریکایی‌ها تصریح کردند که این تحریم برای فلج کردن اقتصاد ایران است. حالا مذاکرات هسته‌ای هم که انجام گرفته است، به یک نتایجی منتهی شده است، اینجا هم باز هدفشان اقتصادی است؛ یعنی از جمله‌ی اهدافشان اقتصاد است؛ یعنی بلعیدن اقتصاد ایران به وسیله‌ی هاضمه‌ی اقتصاد بین‌المللی و جهانی که سردمدار آن هم آمریکا است.

* استقلال اقتصادی تنها با اقتصاد مقاومتی به‌دست می‌آید

استقلال اقتصادی تنها با اقتصاد مقاومتی به‌دست می‌آید؛ که امسال ما گفتیم: «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل». خوشبختانه دولت محترم، اقدام و عمل را شروع کردند و طبق گزارشی که به من دادند، کارهای خوبی انجام گرفته است. اگر با همین قوّت و با همین شیوه ادامه پیدا کند و جدّاً پیش برود، یقیناً آثار آن را مردم خواهند دید؛ اقتصاد مقاومتی. همه‌ی تصمیم‌های بزرگ اقتصادی باید در ضمن اقتصاد مقاومتی تعریف بشود. فرض کنید ما با فلان کشور قرارداد معامله‌ی بازرگانی یا صنعتی می‌بندیم؛ باید معلوم بشود که این در کجای اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد.

* سرمایه‌گذاری خارجی فقط یکی از خانه‌های جدول اقتصاد مقاومتی را پر می‌کند

اینکه ما خیال کنیم رونق اقتصاد کشور صرفاً با سرمایه‌گذاری خارجی تأمین می‌شود، خطا است. سرمایه‌گذاری خارجی البته چیز خوبی است اما این یکی از خانه‌های جدول اقتصاد مقاومتی را پر می‌کند. مهم‌تر از سرمایه‌گذاری خارجی، فعال کردن ظرفیت‌های درونی و داخلی است. ما ظرفیت‌های فعال‌نشده‌ی فراوانی داریم که این‌ها را بایستی فعال کنیم؛ این مهم‌تر است. آن هم البته لازم است در کنار این وجود داشته باشد، اما اینکه ما همه‌چیز را موقوف کنیم به اینکه خارجی‌ها بیایند اینجا سرمایه‌گذاری کنند، نه. گاهی گفته می‌شود که فتاوری‌های نو را می‌آورند؛ خیلی خوب، عیبی ندارد؛ موافقیم که فتاوری نو را بیاورند؛ [البته] اگر بیاورند! اگر هم نیاورند، من گفتم که این جوانان ما که در زمینه‌ی نانو پیشرفت کرده‌اند، در زمینه‌ی هسته‌های پیشرفت کرده‌اند، در زمینه‌ی ساخت‌های فتاوری پیچیده پیشرفت کرده‌اند، در بسیاری از زمینه‌ها جزو پنج، شش، ده کشور اول دنیا قرار گرفته‌اند، این‌ها نمی‌توانند چاه‌های نفت ما را به تولید بهتر برسانند؟ یا پالایشگاه‌های ما را اصلاح کنند؟ یا فرض بفرمایید که بخش‌های دیگری را که مورد نیاز ما است که محتاج فتاوری جدید خارجی هستیم [درست کنند]؟ البته اگر این فتاوری در معاملات ما با خارجی‌ها منتقل بشود، ما با این موافقیم و مخالفتی نداریم.

* اشاره به حساسیت

«اقتصاد مقاومتی»

توجه بکنید! امروز در دنیا تحلیلگران حساس مسائل اقتصادی و سیاسی بر روی اقتصاد مقاومتی کشور ما شرطبندی می‌کنند؛ این قدر مهم است، این قدر حساس است. بر روی اینکه آیا این اقتصاد مقاومتی که ایران مطرح کرده است، به نتیجه می‌رسد یا نمی‌رسد، تحلیلگران بحث می‌کنند، شرطبندی می‌کنند! این قدر این اهمیت دارد. بنابراین «استقلال» به این معنا است. این شاخص سوّم بود که عرض کردیم.

* شاخص چهارم: حساسیت در برابر دشمن

شاخص چهارم: حساسیت در برابر دشمن. دشمن را بشناسیم، در برابر حرکات دشمن حساسیت داشته باشیم. آن کسانی که در دوران دفاع مقدس در جبهه بودند میدانند که آنجا کسانی در قرارگاه‌ها بودند که به‌وسیله‌ی عوامل خودشان هر حرکت کوچک دشمن را دنبال می‌کردند، رویش حساس می‌شدند: فرض بفرمایید امروز دشمن این جابه‌جائی را انجام داده است؛ این برای چیست، چرا انجام داده است؛ علت‌یابی می‌کردند. حساس در مقابل حرکات دشمن. دشمن را بشناسیم، نقشه‌های او را تشخیص بدهیم، بر روی کارهای او، حرف‌های او، اظهارات او حساس باشیم؛ و در مقابل زهری که او احتمالاً خواهد ریخت، پادزهر فراهم بکنیم و آماده باشیم برای اینکه حرکت او را خنثی بکنیم. این، حساسیت در مقابل دشمن است.

* مطرح کردن توهم توطئه، به‌نظر ما یک توطئه است

خب، نقطه‌ی مقابل این حساسیت چیست؟ نقطه‌ی مقابل یکی این است که بعضی اصل دشمن را انکار می‌کنند. وقتی ما می‌گوئیم دشمن داریم، می‌گویند «آقا، شما دچار توهمید؛ توهم توطئه». خود این مطرح کردن توهم توطئه، به‌نظر ما یک توطئه است؛ برای اینکه حساسیت‌ها را کم کنند [می‌گویند]: «آقا، دشمن چیست، کدام دشمنی؟» واضح‌ترین چیزها را انکار می‌کنند. می‌گوئیم آمریکا دشمن انقلاب است، ذات نظام سلطه اقتضا می‌کند که با نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی دشمن باشد؛ منافعشان ۱۸۰ درجه با یکدیگر اختلاف دارد. نظام سلطه اهل خیانت است، اهل جنگ‌افروزی است، اهل ایجاد و سازماندهی گروه‌های تروریست است، اهل سرکوب کردن گروه‌های آزادی‌خواه است، اهل فشار آوردن بر مظلومین - مثل فلسطین و امثال فلسطین- است؛ این طبیعت نظام سلطه است. شما الان ببینید آمریکا و انگلیس، قریب صد سال است که دارند بر مردم فلسطین فشار می‌آورند - چه قبل از تشکیل رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، چه بعد از آن تا امروز- دارند فشار می‌آورند روی فلسطینی‌ها. خب این، حرکت نظام سلطه است؛ اسلام که نمی‌تواند در مقابل این ساکت بماند؛ نظام اسلامی که نمی‌تواند ببیند و بی‌تفاوت بماند. نظام سلطه مستقیماً به کشور بمباران‌کننده‌ی مردم یمن کمک می‌کند - آمریکا صریحاً، مستقیماً کمک می‌کند به بمباران یمن- بمباران کجا؟ بمباران جبهه‌های نبرد؟ نه، بمباران بیمارستان، بمباران بازار، بمباران مدرسه، بمباران میدان عمومی مردم؛ آمریکا کمک می‌کند. خب، نظام اسلامی نمی‌تواند بی‌تفاوت بماند. این‌ها با همدیگر دشمنند؛ در ذات خود با هم مخالفند. چطور می‌شود منکر این دشمنی شد؟ آمریکا بیست‌وهشتم مرداد را راه انداخت و حکومت ملی را سرنگون کرد؛ آمریکا از اول انقلاب تا امروز دارد با ما دشمنی می‌کند؛ آمریکا در زمان طاغوت، ساواک را به راه انداخت که مایه‌ی شکنجه‌ی مردم و مبارزین [بود]؛ آمریکا در جنگ هشت‌ساله به دشمن ما حداکثر کمک ممکن را کرد؛ آمریکا هواپیمای مسافربری ما را سرنگون کرد؛ آمریکا سکوی نفتی ما را زد؛ آمریکا ما را تحریم کرد؛ این‌ها دشمنی نیست؟

* اعتماد به آمریکا خطای بزرگی است

هر فردی و هر جریانی که برای اسلام و به نام اسلام کار می‌کند، اگر به آمریکا اعتماد کرد، خطای بزرگی مرتکب شده و سیلی‌اش را خواهد خورد؛ کما اینکه خوردند. در همین چند سال اخیر جریان‌های اسلامی، به‌خاطر مصلحت‌اندیشی، به‌خاطر عقل سیاسی - اسمش را می‌گذارند عقل- به‌خاطر تاکتیک که می‌گفتند این حرکت تاکتیکی است، با آمریکائی‌ها رفیق شدند، به آن‌ها اعتماد کردند، چوبش را خوردند، سیلی‌اش را خوردند و حالا دارند مصیبت‌هایش را تحمّل می‌کنند. هرکسی با نام اسلام در جهت اسلام حرکت می‌کند، اگر به آمریکا اعتماد بکند، خطای بزرگی مرتکب شده.

* آمریکائی که هواپیمای مسافری سرنگون می‌کند، از جعل سند ابائی دارد؟

ما البته دشمن‌های ریزودرشت زیادی داریم؛ دشمن‌های کوچک هم داریم، دشمن‌های حقیق هم داریم اما عمده‌ی دشمنی‌ها از سوی آمریکا و از سوی انگلیس خبیث - انگلیس واقعاً خبیث؛ هم در گذشته، از دوران اوائل رژیم طاغوت تا دوران انقلاب، [هم] بعد از دوران شروع انقلاب و پیروزی انقلاب تا امروز، همواره انگلیس با ما دشمنی کرده است؛ حالا هم به‌مناسبت سالگرد امام،

دستگاه تبلیغاتی دولت انگلیس علیه امام، به اصطلاح سند منتشر می‌کند؛ سند منتشر می‌کند علیه امام بزرگوار، امام پاکیزه و مطهر! سند را از کجا آورده‌اند؟ از مدارک آمریکایی! خب، آمریکائی که هواپیمای مسافری را با قریب سیصد نفر سرنگون می‌کند، از جعل سند ابائی دارد؟ دشمنی انگلیس‌ها این‌جوری است- و [از سوی] رژیم منحوس و سرطانی صهیونیستی است؛ این‌ها دشمن‌های اصلی‌اند. این دشمن را باید شناخت و در مقابل کارهای او باید حساسیت نشان داد؛ حتی اگر نسخه‌ی اقتصادی هم به ما می‌دهند، باید با احتیاط برخورد کرد؛ مثل این است که دشمنی بیاید به انسان یک داروئی را بدهد و بگوید آقا، این دارو را بخور برای فلان بیماری؛ شما احتیاط می‌کنید؛ احتمال دارد در داخل این دارو زهر گذاشته باشد. نسخه‌ی سیاسی و نسخه‌ی اقتصادی دشمن هم باید با احتیاط مورد توجه قرار بگیرد؛ حساسیت در مقابل دشمن این است. طبعاً این حساسیت وقتی بود، دیگر تبعیت نخواهد بود، و عرض کردیم که عدم تبعیت همان جهاد کبیر است. این هم شاخص چهارم.

* شاخص پنجم؛

تقوای دینی و سیاسی

شاخص پنجم و آخرین شاخص، تقوای دینی و سیاسی؛ که غیر از تقوای فردی [است] که البته آن هم لازم است. یک تقوای فردی داریم که من و شما خودمان از گناه پرهیز کنیم، خودمان را حفظ کنیم؛ قُوا انْفُسَكُمْ وَ اهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ؛ (۱۳) خودمان را از آتش دوزخ الهی، از آتش غضب الهی دور کنیم؛ این تقوای فردی است. تقوای اجتماعی - تقوای اسلامی مربوط به اجتماع - این است که در راه تحقق این چیزهائی که اسلام از ما مطالبه کرده است، تلاش کنیم. همه‌ی آن آرمان‌هائی که عرض کردیم، آرمان‌های اسلامی است؛ یعنی مسئله، فقط مسئله‌ی یک محاسبه‌ی عقلائی نیست؛ اینکه ما عرض کردیم باید به آن آرمان‌ها پابند بود، باید دنبال عدالت اجتماعی بود، دنبال حمایت از محرومین بود، دنبال حمایت از مظلوم بود، با ظالم و مستکبر باید مقابله کرد، زیر بار او نرفت، این‌ها همه مطالبات اسلامی است، اسلام این‌ها را از ما خواسته است؛ این‌جور نیست که فقط یک محاسبه‌ی عقلائی و انسانی باشد؛ تکلیف دینی است. هرکسی این چیزها را از اسلام جدا کند، اسلام را نشناخته است؛ هرکسی حوزه‌ی معرفتی اسلام را و حوزه‌ی عملی اسلام را از محیط زندگی اجتماعی مردم و سیاسی مردم دور کند، بلاشک اسلام را نشناخته است. قرآن به ما می‌گوید: اَعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ (۱۴) عبودیت خدا - یعنی تسلیم در مقابل خدا بودن- و اجتناب از طاغوت، و در آیه‌ی دیگر [می‌گوید]: الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا اولِيَاءَ الشَّيْطَانِ اِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا؛ (۱۵) این‌ها دستور قرآن است. اینکه ما خودمان را و مردمان را و جوانانمان را و مسئولینمان را به احساس مسئولیت در مقابل این حرف‌ها فرا می‌خوانیم، فقط یک توصیه‌ی عقلائی نیست، یک توصیه‌ی سیاسی نیست؛ این یک خواست دینی است؛ رعایت آن، تقوای دینی است. این تقوای دینی است؛ تقوای سیاسی هم در داخل همین مندرج است؛ اگرچنانچه این تقوای دینی تحقق پیدا کرد، تقوای سیاسی هم همراه همین است. تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هائی که دشمن می‌تواند از آن استفاده کند، پرهیز بکند.

* توصیه‌های ولی امر

من چند توصیه در پایان راه عرض بکنم. در این نقشه‌ی راهی که عرض کردیم، امام الگو است؛ امام الگو است و انصافاً الگوی کاملی است. در همه‌ی این شاخص‌ها، امام در آن سطح بالا قرار دارد. ما سال‌ها در شکل‌های گوناگون با امام معاشر بودیم و محشور بودیم؛ هم آن‌وقتی که در قم تدریس می‌کرد، هم آن‌وقتی که در نجف در تبعید بود، هم آن‌وقتی که در رأس حکومت و در قلعه‌ی اعتبار سیاسی بین‌المللی قرار داشت؛ امام را در همه‌ی این حالات دیده‌ایم؛ انصافاً در همه‌ی این شاخص‌هائی که گفتیم، امام در بالاترین رتبه قرار دارد.

* توصیه‌ی اول؛ به گفتار امام و کردار امام اهتمام بورزید

به گفتار امام و کردار امام اهتمام بورزید. این صحیفه‌ی امام را جوان‌های عزیز ما بخوانند و با آن انس پیدا کنند؛ وصیت‌نامه‌ی امام را بخوانید، با وصیت‌نامه‌ی امام انس پیدا کنید، در آن تعمق بکنید. این توصیه‌ی اول.

* توصیه‌ی دوم؛ در هر شرائطی آمریکا دست از نقش مخرب خودش برنمیدارد

توصیه‌ی دوم؛ یک تجربه‌ای ما در مذاکرات هسته‌ای پیدا کردیم؛ این تجربه را نباید فراموش کنیم. این تجربه این است که اگر ما تنازل (۱۶) هم بکنیم، آمریکا دست از نقش مخرب خودش برنمیدارد؛ این را ما در مذاکرات هسته‌ای تجربه کردیم. ما نشستیم در جمع ۵+۱، و حتی جداگانه با آمریکائی‌ها مذاکره کردیم برای قضیه‌ی هسته‌ای؛ برادران ما، فعالان پرتلاش ما به یک نقاط مشترکی رسیدند، به یک نتایجی رسیدند؛ طرف - که آمریکا باشد - یک تعهداتی کرد؛ جمهوری اسلامی تعهدات خودش را انجام داد، [ولی] آن طرف بدقول بدعهد بدحساب، دارد دپّه می‌کند؛ تا الان دپّه کرده است. خیلی خب، این یک تجربه است، این شد تجربه. حالا خیلی‌ها قبل از این تجربه هم می‌دانستند اما بعضی هم که نمی‌دانستند، حالا بدانند: در هر زمینه‌ی دیگری هم که با آمریکا شما بحث و مجادله کنید، شما کوتاه بیایید، تنازل کنید، باز او نقش مخرب خودش را حفظ خواهد کرد؛ در همه‌ی زمینه‌ها؛ بحث حقوق بشر، بحث موشک، بحث تروریسم، بحث لبنان، بحث فلسطین؛ در هر قضی‌های که شما به فرض - که البته محال است- از اصول خودتان، از مبانی خودتان کوتاه بیایید، صرف‌نظر بکنید، بدانید او کوتاه نخواهد آمد؛ اول با زبان و با لب‌خند و با تبسم وارد میدان خواهد شد، بعد در عمل، کاری را که باید انجام بدهد، دپّه می‌کند و تعهد خودش را انجام نمی‌دهد؛ این شد یک تجربه برای ملت ایران؛ این تجربه را مغتنم بشمرید؛ این توصیه‌ی دوم.

* توصیه‌ی سوم؛ اتحاد دولت و ملت را به هم نزنید

توجه کنید، توجه کنید! توصیه‌ی سوم را توجه کنید، آن‌وقت یک‌قدری در بعضی از این شعارها ممکن است تجدیدنظر بکنید. (۱۷) توصیه‌ی سوم؛ اتحاد دولت و ملت را به هم نزنید. ممکن است شما از یک دولتی خوشت بیاید، از یک دولت دیگری

خوشت نیاید؛ دیگری هم از آن دولت دیگر خوشش نیاید، از این دولت خوشش بیاید؛ ممکن است، اشکالی هم ندارد. - رقابت‌های انتخاباتی به جای خود، اختلاف‌نظرها به جای خود، حتی انتقاد هم به جای خود- اما دولت و ملت باید همه در کنار هم باشند؛ یعنی اگر در این مملکت یک حادثه‌های رخ بدهد که تهدیدی برای کشور باشد، دولت و ملت باید هم‌دوش حرکت کنند. (نقار ۱۸) به وجود نیایید، کدورت به وجود نیایید، اتحاد دولت و ملت را حفظ کنید؛ این یکی از توصیه‌های بنده است در همه‌ی دولت‌ها. در همه‌ی دولت‌هایی که بنده بعد از رحلت امام مسئولیت داشتم، این توصیه‌ی من بوده است؛ با اینکه دولت‌ها سیاست‌های مختلفی داشتند، جهت‌گیری‌های مختلفی داشتند لکن ملت باید با دولت همراه باشد، اتحاد را حفظ کند؛ این منافات ندارد با انتقاد کردن یا حرف زدن یا مطالبه کردن؛ این‌ها اشکالی ندارد؛ رقابت‌های انتخاباتی به جای خود. قوای سه‌گانه هم باید با هم متحد باشند -دولت، مجلس، قوه‌ی قضائیه- باز این منافات ندارد با اینکه مجلس در قبال دولت به وظایف خودش عمل کند؛ به وظایف قانون اساسی عمل بکند؛ سؤال کند، مطالبه کند، بخواند، قانونگذاری کند، استیضاح کند و امثال اینها؛ لکن بایستی قوا با هم همراه باشند، در مسائل اساسی کشور باید زیر یک چتر قرار بگیرند؛ همه؛ نیروهای مسلح همین‌جور، آحاد مردم همین‌جور. پس این توصیه‌ی سوم ما است: نگذارید احساسات شخصی یا احساسات جناحی یا مطلقاً احساسات، بر منطق غلبه کند. منطق این است که وقتی دشمن از دور نگاه می‌کند، احساس کند که اینجا یکپارچه است، احساس یکپارچگی بکند. اینکه حرف‌هایی زده بشود که از آن حرف‌ها دوجریانی و دوجهتی و تخاصم و دوقطبی‌گری در داخل ملت یا در مجموعه‌ی نظام استفاده بشود، به ضرر کشور است.

* توصیه‌ی چهارم؛ تقابل با آمریکا، تقابل با یک جبهه است، مراقب همه‌ی این جبهه باشید
توصیه‌ی چهارم؛ تقابل با آمریکا، تقابل با یک جبهه است. یک جبهه‌ای وجود دارد که در قطب آن و مرکز آن آمریکا است اما امتداد آن به جاهای گوناگونی کشیده می‌شود؛ حتی گاهی به داخل کشور هم کشیده می‌شود؛ غفلت نکنید. اینکه مواظب حرکت خصمانه‌ی آمریکا باید بود، معنایش این است که مراقب همه‌ی این جبهه باشید. بدانید دشمنی فقط از ناحیه‌ی دستگاه امنیتی آمریکا نیست؛ گاهی اوقات این دستگاه امنیتی سرانگشتانی دارد که این سرانگشتان به‌صورت دولت‌های منطقه‌ای یا جور دیگری خودشان را نشان می‌دهند.

* توصیه‌ی پنجم؛ خطوط فاصل با دشمن باید در نظر باشد و برجسته باشد
توصیه‌ی پنجم؛ خطوط فاصل با دشمن باید در نظر باشد و برجسته باشد. نگذارید خطوط فاصل با دشمنی که با انقلاب دشمن است، با نظام دشمن است، با امام دشمن است، کمرنگ بشود. بعضی از جریان‌های داخل کشور ما از این نقطه غفلت کردند، خطوط مرزی خودشان را با دشمن حفظ نکردند، [خطوطشان] ضعیف شد، کمرنگ شد؛ مثل خطوط مرزی کشور، اگر خط مرزی نباشد، از آن طرف ممکن است کسی اشتباه بیاید این طرف، از این طرف ممکن است کسی اشتباه برود آن طرف؛ خطوط مرزی را حفظ کنید.

* توصیه‌ی ششم؛ به وعده‌ی «ان تَصْرُوا اللهَ يَنْصُرْكُمْ» اعتماد داشته باشید
توصیه‌ی ششم و توصیه‌ی آخر؛ به وعده‌ی «ان تَصْرُوا اللهَ يَنْصُرْكُمْ» (۱۹) اعتماد و اطمینان داشته باشید. ملت عزیز، جوانان عزیز! بدانید: به کوری چشم دشمن شما پیروزید.
پروردگارا! امام عزیز ما را با اولیائش محشور کن.
پروردگارا! شهدای عزیز ما را با شهدای صدر اسلام محشور کن.
پروردگارا! خدمتگزاران به کشور را در هر جائی، هر لباسی و هر شکلی هستند، مورد هدایت و تأیید و عصمت (۲۰) خود قرار بده.
پروردگارا! قلب مقدس ولی‌عصر را از ما راضی و خشنود کن؛ ما را مشمول دعای آن بزرگوار قرار بده.
پروردگارا! گفتار ما را، کردار ما را برای خودت و در راه خودت قرار بده؛ به کرمات آن را از ما قبول بفرما.
پروردگارا! به محمد و آل محمد، ما را در این راه زنده بدار و در این راه بمیران.
والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

* پی‌نوشت‌ها:

۱) اقبال‌الاعمال، ص ۶۸۷، مناجات شعبانیه؛ «خدایا به من ببخش کمال انقطاع به درگاهت را و روشن نما دیده‌ی دل‌های ما را به تابش نظر خود بدان.»

۲) همان

۳) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۶۱

۴) سوره‌ی قلم، آیه‌ی ۴؛ «و راستی که تو را خوئی والا است.»

۵) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۵۹؛ «پس [به برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو و [پُر مهر] شدی...»

۶) شعار حضار و دعوت معظم‌له به توجه کردن به مطالب

۷) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۷۳؛ «همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: "مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده‌اند؛ پس، از آنان بترسید." و [الی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: "خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است."»

۸) اجرا کردن، به انجام رساندن

۹) از جمله، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری (۶/۳/۱۳۹۵)

۱۰) سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲؛ «پس، همان‌گونه که دستور یافت‌های ایستادگی کن، و هرکه با تو توبه کرده [نیز چنین کند]...»

- ۱۱) سوره‌ی فصلت، بخشی از آیه‌ی ۳۰؛ «درحقیقت، کسانی که گفتند پروردگار ما خدا است، سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند]: هان، بیم مدارید و غمین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید...»
- ۱۲) از جمله، بیانات در اجتماع بزرگ جوانان استان خراسان شمالی (۲۳/۷/۱۳۹۱)
- ۱۳) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۶: «... خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ‌ها است حفظ کنید...».
- ۱۴) سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۳۶؛ «...خدا را بپرستید و از طاغوت [=فریبگر] بپرهیزید...»
- ۱۵) سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۶؛ «کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا کارزار می‌کنند. و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت می‌جنگند. پس با یاران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان [در نهایت] ضعیف است.»
- ۱۶) تمکین کردن، چشم‌پوشی کردن
- ۱۷) شعارهای حضار و تأکید معظم‌له بر توجه به توصیه‌ی سوم
- ۱۸) آزرده‌گی، ستیز
- ۱۹) سوره‌ی محمد، بخشی از آیه‌ی ۷؛ «... اگر خدا را یاری کنید، یاری‌تان می‌کند...»
- ۲۰) نگهداری، محافظت